

لایلیوس در باب دوستی

مارکوس تولیوس سیسرو

ترجمه بهنام اکبری



تقدیم به بهترین دوستانم
پدرم و مادرم

سرشناسه: سیسرو، مارکوس تولیوس، ۲۳-۱۰۶ ق.

Cicero, Marcus Tullius

عنوان و نام پدیدآور: لابیوس در باب دوستی / مارکوس تولیوس

سیسرو؛ ترجمه بهنام اکبری.

مشخصات نشر: تهران: نفوس، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.

شابک: 978-964-311-881-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Cicero. De senectute, De amicitia, De

Divinatione, 1923

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی آن با عنوان «Laelius On

«Friendship» از ترجمه «William Armistead Falconer» به فارسی

برگردانده شده است.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۳-۱۲۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: دوستی - متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.

موضوع: سال‌نندی - متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.

موضوع: غیب‌گویی - متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.

شناسه افزوده: اکبری، بهنام، ۱۳۵۷ - مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۸۹/۳۳ PA۶۲۹۵

رده‌بندی دیویی: ۸۷۵/۰۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۹۹۶۲۲۳

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Laelius De Amicitia

Marcus Tullius Cicero

Harvard University Press, 1923



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمری،

شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰ ۸۶۴۰ ۶۶۴۰

* * *

مارکوس تولیوس سیسرو

لایلیوس

در باب دوستی

ترجمه بهنام اکبری

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

۱۳۸۹

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۵-۸۸۱-۳۱۱-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 881 - 5

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۲۸۰۰ تومان

پیشگفتار مترجم

۱. دوستی چیست؟ این پرسش شاید از آن هنگام که انسان‌ها زندگی به صورت جمعی را آغاز کرده‌اند شکل گرفته باشد. بسیاری از ما در زندگی روزمره خود گاه به این اندیشه نشستیم که آنان که دوستشان می‌پنداریم چه مایه دوستان ما توانند بود و ما چه اندازه سزاوار آنیم که دوست کسی به شمار آییم. جمله ما دوستان بسیار داشته‌ایم، اما آیا می‌توانیم بگوییم که دوستی حقیقی چیست و دوست راستین چه کسی می‌تواند باشد. آیا دوستی نیاز روحانی ما به نفسی دیگر است؟ آیا دوستی خواست جسمانی ما به تملک دیگری است؟ آیا دوستی خواستی دوسویه برای انتفاع و بهره بردن از یکدیگر است؟ آیا بدون دوست می‌توانیم زندگی کنیم؟ این پرسش‌ها و هزاران پرسش دیگر به واقع برخاسته از روابط اجتماعی انسان‌هاست. آیا خود این روابط اجتماعی می‌توانند

روابطی عقلانی باشند؟ اگر چنین باشد، عقل را یارای آن هست که بتواند جستار دوستی را مورد کندوکاو قرار دهد. به حتم، در باب دوستی از منظرهای متفاوتی می‌توان پرسش کرد: رابطه مسئله دوستی با فضیلت، پرسش‌هایی که ناظر به ایجاد و شکل‌گیری دوستی هستند، پرسش‌های مطرح در باب قوانین و قواعد حاکم بر دوستی، پرسش‌های مربوط به چگونگی پایداری دوستی، ویژگی‌های دوستی حقیقی و... رساله‌ای که پیش رو دارید پاسخگوی بخشی از این پرسش‌هاست، و من نیکبخت بوده‌ام که بدین اثر دسترسی داشته‌ام.

۲. مبحث دوستی، همانند دیگر مباحث فکری، خط سیری در تاریخ اندیشه انسانی دارد. این خط سیر با افلاطون آغاز می‌شود، با ارسطو قوام می‌یابد و به دست رواقیان از جمله سیسرو جلابی دیگر پیدا می‌کند. با ظهور مسیحیت مبحث دوستی وارد سپهری دیگرگون می‌گردد و به نوعی امری روحانی و آسمانی تلقی می‌شود. این نگرش را در کتب آوگوستین می‌توان دید. پس از وی آیلرد ریوویی^۱ دوستی روحانی در میان برادران و خواهران روحانی را مورد مذاقه قرار می‌دهد و آکویناس نیز، همانند کاری که در مورد بسیاری

1. Aelred of Rievaulx

از مباحث مطرح در سده‌های میانه می‌کند، جمع‌بندی‌ای در باب این آرا به دست می‌دهد. پس از رنسانس، دوستی در آرای فیلسوفانی همانند فرانسیس بیکن و مونتینی طرح می‌شود و در میان فیلسوفان دورهٔ روشنگری نیز کانت برای آن اهمیت بسیاری قائل است.

من بشخصه تمایل داشته‌ام که این خط سیر را دنبال کنم و هر جا که به متنی معتبر و موثق در باب دوستی برخوردیم، آن را ترجمه کنم. در این میان رسالهٔ لوسیوس افلاطون و اخلاق نیکوماخوس ارسطو، که شامل آرای این دو تن در باب دوستی هستند، پیش‌تر به ترجمه درآمده‌اند. لایلیوس سیسرو نیز سال‌ها پیش به صورت اقتباس‌گونه‌ای به فارسی برگردانده شده است،^۱ اما چون این ترجمه را دقیق و کامل ندیدم چنین اندیشیدم که این نوشته را به صورت دقیق‌تر ترجمه کنم و در ترجمهٔ آن از منابع مختلف و متون و نسخ معتبر موجود استفاده کنم. پس از این کتب، عمده‌ترین کتابی که در بارهٔ دوستی در سده‌های میانه نوشته شده است رسالهٔ در باب دوستی روحانی اثر آیلرد ریوویی است، و کوشش من بر این است که پس از لایلیوس سیسرو به ترجمهٔ این اثر نیز پردازم. شاید دنبال کردن خط سیر تفکر در بارهٔ دوستی فتح بابی برای خلق

۱. سیسرون، عیش‌پیری و دوازده دوستی، ترجمهٔ آزاد محمد حجازی، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۴۶.

آثاری تألیفی و ترجمه‌هایی نو در این باره باشد که جای آن‌ها در فلسفه اخلاق نزد ما سخت خالی است. گو این‌که در کشوری که داعیه اخلاق از هر سوی آن بلند است فقر فلسفه اخلاق چندان عظیم است که نمی‌توان این قبیل مدعاهای میان‌تهی را باور کرد.

۳. نخستین گشایشگر بحث در باب دوستی در فلسفه - همانند بسیاری از مباحث دیگر فلسفه - افلاطون است. وی در رساله‌ای از رسایل چهارگانه‌ای که در آن‌ها به فضایل اخلاقی می‌پردازد، مسئله دوستی را مطرح می‌کند. این رسایل خارمیدس، لوسیس، لاکس و آلکییادس هستند. در این میان رساله خارمیدس به اعتدال، رساله لاکس به شجاعت، رساله آلکییادس به عدالت و رساله لوسیس به دوستی می‌پردازد. شیوه پرداخت این رسایل سقراطی است، یعنی همان گونه که سقراط کار خود را مامایی می‌نامید این‌ها به روش مامایی^۱ به نگارش درآمده‌اند. از جمله خصوصیات این روش آن است که بحث‌ها به نتیجه‌ای منجر نمی‌شوند و صرفاً نابسندگی آرای گوناگون مشخص می‌شود. لوسیس نیز شامل هیچ تعریفی در باب دوستی نیست و نمی‌توان از آن به نتیجه‌ای ایجابی رسید. با این حال، می‌توان از این رساله دریافت که دوستی در نظر

1. maieutikē

افلاطون چه مایه ارجمند و والا بوده و این‌که وی هرگونه رابطه‌ای را شایان نام دوستی نمی‌دانسته است.

افلاطون در ابتدای رساله (از زبان سقراط) در لُفّافه می‌گوید که دوستی به نوعی که دوستداری خویشتن باشد مذموم است و وقتی در وصف یاری ستایش بسیار می‌کنیم در واقع به ستایش خویشتن می‌پردازیم، چرا که والایی او والایی ماست (۲۰۶a).^۱ سقراطِ گفتگو خویشتن را بیش از هر چیز شیفته دوستی می‌داند و ذکر می‌کند که «یک دوست خوب را ... به همه گنج‌های داریوش و حتی به خود داریوش نمی‌فروشم» (۲۱۱b).^۲

سقراط در مرحله‌ای دیگر هرگونه منفعت‌گرایی را در دوستی رد می‌کند و می‌گوید که چون در دوستی، دو فرد همانند با یکدیگر دوست می‌شوند و این همانندی در نیکی آن‌هاست، پس دو فرد همانند نمی‌توانند از یکدیگر منفعتی ببرند؛ «چیزی که همانند دیگری است، برای آن دیگری چه سود می‌تواند داشته باشد؟» (۲۱۵a).^۳ همچنین، سقراط با ذکر پرسشی این رأی را رد می‌کند که دوستی از بهر منفعت دوستی حقیقی تواند بود: «کسی که برای خاطر چیزی با کسی دوست است، آیا با خود آن چیز نیز دوست است، یا با آن نه دوست است و نه دشمن؟» (۲۱۸b).^۴

۱. دوره آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، تهران، انتشارات

خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵. ۲. همان، ص ۱۴۳.

۳. همان، ص ۱۴۷. ۴. همان، ص ۱۵۳.

از آرای افلاطون در لوسیوس دو برداشت می‌توان کرد. یا می‌توان چنین دریافت که دوستی برآمده از نیاز انسان به دیگری است، یا، برعکس، می‌توان چنین برداشت کرد که دوستی حقیقی برساخته «نیاز» نیست. این رویکرد دوم مورد تأیید فیلسوفانی همچون گادامر نیز بوده است.^۱ با این همه، صحیح‌تر آن می‌نماید که بگوییم افلاطون به جای آن‌که در باب دوستی به ایجاب سخن بگوید، به رد آرای گوناگونی در باب خاستگاه دوستی می‌پردازد.

۴. ارسطو نیز به اقتضای استاد خویش به بررسی دوستی پرداخته است، اما آرای وی از آن رو که به صورت مفصل و ایجابی تر طرح شده‌اند، در تاریخ تفکر در باب دوستی سخت مورد توجه قرار گرفته‌اند. ارسطو در دفترهای هشتم و نهم کتاب اخلاق نیکوماخوس خود، به بحثی مفصل در باب دوستی می‌پردازد و آن را از زوایای گوناگون بررسی می‌کند.

او سه منشأ برای دوستی (*philia*) قائل است و می‌گوید که چون خاستگاه دوستی سه علت یا انگیزه متفاوت است، پس سه نوع دوستی نیز می‌تواند وجود داشته باشد. نخستین انگیزه سود است، دومین لذت و سومین نیکخواهی. ارسطو

1. Lorraine Smith Pangle, *Aristotle and the Philosophy of Friendship*, Cambridge University Press, 2002, p. 29.

انگیزه‌های لذت و سود را برخاسته از نفع شخصی می‌داند و معتقد است که آن‌گاه که برای لذت یا سود دوست کسی می‌شویم، در واقع آن شخص را برای خاطر خویشتن دوست می‌داریم (۱۱۵۶a).^۱ «این‌ها دوستی به معنی عَرَضی هستند. زیرا دوست نه برای آن دوست داشته می‌شود که آن شخص معین است بلکه برای این‌که منبع سود یا لذت است» (۱۱۵۶a).^۲ ارسطو این انگیزه‌های دوستی را ناپایدار و زودگذر می‌داند.

از نظر او «دوستی کامل دوستی نیکان است که از حیث فضیلت با یکدیگر برابرند» (۱۱۵۶b).^۳ این دوستی بر پایه فضیلت است و دو طرف آن، یکدیگر را به خاطر نیکخواهی دوست دارند. از این رو، این گونه دوستی پایدارتر تواند بود. این دوستی کامل است. دوستی کامل، که بر پایه فضیلت است، اعم از دوستی بر پایه لذت و منفعت است، چرا که موجب لذت و منفعت نیز می‌گردد؛ اما لذت و منفعت علت موجدۀ آن نیستند. این گونه دوستی، آن گونه که ارسطو می‌گوید، مبتنی بر برابری است.

ارسطو در این مبحث نیز صرفاً کمال مطلوب را دنبال نمی‌کند و انواع دوستی‌های ممکن در شرایط گوناگون را مورد

۱. ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو، چاپ

دوم، ۱۳۸۵، صص ۷-۲۹۶. ۲. همان، ص ۲۹۶.

۳. همان، ص ۲۹۸.

کند و کاو قرار می‌دهد. با این حال، از نظر او دوستی کامل و حقیقی دست‌نیافتنی نیست و حتی نمونه‌های تاریخی نیز دارد (همانند دوستی‌ای که در لایلیوس سیسرو مطرح می‌شود). در عین حال، این سخن صحیح است که دوستی به نزد ارسطو با زندگی عملی سروکار دارد و نه زندگی خیالی: «تحلیل ارسطو از دوستی تام و کامل نشان می‌دهد که دوستی عمدتاً به سبب ستایش [صرف] فضیلت شکوفا نمی‌گردد، بلکه به سبب اشتراک در فعالیت پدید می‌آید، و دوستی بیانگر خواستی نیرومند برای تقسیم زندگی خود با دیگران است و این‌که دیگران را خویشتر خود بسازیم.»^۱

۵. فلسفه رواقی به تفکر فیلسوفانی اطلاق می‌گردد که در برخی زمینه‌ها همانند فلسفه اخلاق، تقدیرگرایی و نگرش به طبیعت کمابیش اشتراک نظر دارند. پس از منطق و کیهان‌شناسی^۲ تأکید عمده رواقیان بر فلسفه اخلاق است. اخلاق نزد آنان جزئی از فلسفه است که آن را به ثمر می‌نشانند چراکه با زندگی واقعی انسان‌ها سروکار دارد. از منظر رواقیان «اخلاق به طور بنیادین مبتنی بر شناخت طبیعت و عالم و جایگاه انسان در آن و به طور خاص‌تر شناخت ارزش چیزهاست».^۳ اخلاق رواقی

1. Lorraine Smith Pangle, *ibid.*, p. 55.

2. Cosmology

3. David Furley (ed.), *Routledge History of Philosophy*, vol. II, *From Aristotle to Augustine*, London and New York, Routledge, 1999, p. 239.

اخلاقی مبنی بر فضیلت^۱ است. فضیلت نزد ایشان نیکی یا خیر مطلق است و از این لحاظ با ایده نیک افلاطون قرین است. زندگی بر اساس فضیلت یعنی زندگی مطابق نیکی و حرکت به جانب شناخت آن، و فرد حکیم کسی است که بر اساس طبیعت و فضیلت زندگی کند.

محور تفکر رواقی طبیعت است. طبیعت از نظر رواقیان صرفاً شامل موجودات این جهانی نیست، بلکه کل موجودات اعم از انسان و خدا و ... را در بر می‌گیرد. آنان حتی کیفیات روحانی را نیز جزئی از طبیعت می‌دانستند و از این لحاظ شاید بتوان تلقی رواقیان را از طبیعت با تلقی اسپینوزا همانند دانست. تقدیر نیز نزد ایشان واقعیتی طبیعی است که از آن به قانون طبیعت هم تعبیر می‌کردند.

سیسرو یکی از رواقیان نامدار است. او در سال ۱۰۶ ق.م. به دنیا آمد و در سال ۴۳ ق.م. به قتل رسید. سیسرو در شهر آربینوم چشم به جهان گشود و در جوانی رهسپار رم شد تا علم حقوق و دانش سیاست بیاموزد. استادان وی فیلون لاریسای^۲ و آنتیوخوس^۳ و پوسیدونیوس^۴ رواقی بودند. در زمان او جمهوری روم به زوال خود نزدیک شد. وی نقش برجسته‌ای در بسیاری از رویدادهای سیاسی زمانه داشت و از

1. Virtue

2. Philo of Larissa

3. Antiochus

4. Posidonius

این رو آثارش را می‌توان آینه تمام‌نمای وقایع سیاسی ایام او نیز دانست (در رساله لایلیوس نیز سیسرو به بسیاری از وقایع سیاسی زمان خویش اشاره دارد). وی دو مجموعه از رسایل خویشتن را طی دو دورانی نگاشت که مجبور شده بود از مشاغل سیاسی کناره‌گیرد. نخستین این مجموعه‌ها سیاسی است و دومین آن‌ها معرفت‌شناختی، اخلاقی و الهیاتی.

سیسرو، که او را گاه - شاید به خطا - فیلسوفی التقاتی دانسته‌اند،^۱ تأثیر بسیاری از افلاطون و ارسطو پذیرفته است، و همان‌گونه که در این رساله نیز مشهود است، در جای جای آثارش به نقل مستقیم و غیرمستقیم آرای این دو فیلسوف می‌پردازد. با همه این‌ها، آثار وی رنگ و بویی مستقل و خاص خود وی دارند که به آن‌ها حال و هوایی رواقی می‌بخشد و پاره‌ای از آن‌ها را در تاریخ تفکر برجسته می‌نماید. از میان مهم‌ترین آثار سیسرو می‌توان به کتاب در باره غایات خیر و شر،^۲ در باره ذات خدایان^۳ و در باره پیشگویی^۴ اشاره کرد.

کتاب لایلیوس، که در باب دوستی است، همان‌گونه که در مقدمه مترجم انگلیسی آن آمده است، به سال ۴۴ ق.م.

۱. فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۱، یونان و روم، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، ص ۴۸۰.

2. *De Finibus bonorum et malorum*

3. *De Natura deorum*

4. *De Divinatione*

نگاشته شده است، یعنی حدود یک سال پیش از مرگ سیسرو و در اوج پختگی فکری او.

۶. پس از ظهور مسیحیت نیز بحث دوستی همچنان مطرح بود و فیلسوفان بسیاری در سده‌های میانه از دریچه‌هایی تازه به این موضوع نگریستند. آوگوستین در اعترافات خویش می‌گوید اگر دوستی علقه‌ای نباشد که خداوند میان دو کس برقرار می‌دارد، عاری از حقیقت است (IV, ۴).^۱ همان گونه که در اعترافات آمده است، دوستِ آوگوستین نیز همچون دوستِ لایلیوس (شخصیت نخست رسالهٔ سیسرو) می‌میرد، اما برخلاف لایلیوس که بر این سوگ به افسردگی نمی‌نشیند و از دوستش به بزرگی یاد می‌کند، آوگوستین جوان می‌گوید که «قلب من از فرط اندوه، تیره و تار شد و به هر سو که نظر می‌کردم، تنها مرگ به من رخ می‌نمود. وطنم دوزخ و سرایم، منزلگاه بدمنظر فلاکت شده بود» (IV, ۴).^۲ البته این‌ها شرح آوگوستین در زمانی است که هنوز به مسیحیت نگرویده بود. آوگوستین دوست را نیمهٔ جان آدمی می‌خواند و دو دوست را یک روح در دو قالب برمی‌شمرد (IV, ۶).^۳ البته دوستی راستین به نظر او دوستی خداوندگار است و از این جهت این

۱. قدیس آوگوستین، اعترافات، ترجمهٔ سابه میثمی، تهران، دفتر پژوهش و نشر

سهروردی، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۲۳.

دوستی، روحانی است (IV, ۸).^۱ آوگوستین نیز انتظار دوستان را از یکدیگر نیکخواهی عنوان می‌دارد (IV, ۹).^۲

با آوگوستین، دوستی و عشق در سنت لاتینی از دوستی و عشق زمینی به دوستی و عشق آسمانی بدل می‌گردد، هرچند که وی جایی نیز برای دوستی افراد می‌گذارد و این پیوند را اگر بر اساس علقه‌های الهی باشد، عزیز می‌دارد. این سنت بر اندیشه‌های سده‌های میانه تأثیر بسیار نهاده است و خواهیم دید که فیلسوفانی همانند آیلرد ریوویی و توماس آکویناس در مسیر آوگوستین حرکت کرده‌اند، هرچند که تأثیر فلاسفه رواقی و به‌ویژه خود سیسرو بر آرای آوگوستین در این باره بسیار مشهود است. آیلرد ریوویی (۱۱۱۰-۱۱۶۷) یا راهب ریووکسی است که بحث در باب دوستی را اوجی تازه بخشید و کتاب وی به نام در باب دوستی روحانی^۳ مبنایی برای نظام زندگی برادران و خواهران دیرها و دوستی میان آنان قرار گرفت. آیلرد بر این عقیده است که تنها کسانی می‌توانند به دوستی حقیقی یا دوستی روحانی دست یابند که در امور انسانی و الهی توافق کامل دارند و آرزوی آنان دستیابی به سعادت مادی و معنوی و به‌روزی این‌جهانی و ازلی است. او معتقد است که خود

۲. همان، ص ۱۲۶.

۱. همان، ص ۱۲۵.

۳. بنگرید به:

Aelred of Rievaulx, *De Spiritali amicitia, (Spiritual Friendship)* trans. by E. Laker, Kalamazoo, MI, Cistercian Publications, 1974.

دوستی فی نفسه «تمتع و نعمتی» است (۱:۴۵) و از این رو فی نفسه ارزشمند است. بنیان دوستی از نظر وی نیکی است. «آن‌که وفادار به دوستی است، به خداوند وفادار است و خدا در اوست» (۱:۷۰) چرا که خداوند خود نیکی مطلق است. در این رساله - حتی در عنوان آن نیز - تأثیر سیسرو مشخص است و در جای جای آن از مفاهیمی سخن به میان می‌آید که سیسرو آن‌ها را در رساله لایلیوس خود گنجانده است. توماس آکویناس، فیلسوف بزرگ سده‌های میانه، دوستی را بر اساس نظریه علت بررسی می‌کند و آن را وسیله‌ای می‌داند برای رسیدن به «غایت نهایی» انسان که خداوند است. از این رو، دوستی دوستداری خداوند است. دوستی نیکوکاری است و این نیکوکاری ما را به خداوند می‌پیوندد و رفعت می‌بخشد.^۱ توماس می‌گوید که عشق دوسو دارد: نخست خیری است که ما آن را برای کسی یا برای خودمان می‌طلبیم، و دیگری کسی است که ما آن خیر را برای او می‌خواهیم. بر این اساس، عشق را به عشق شهوت و عشق دوستی تقسیم می‌کند؛ انسان عشق شهوت را برای کسب خیری دارد، و در عشق دوستی کسی را می‌خواهد که آن خیر را برای او می‌طلبد.^۲ از این رو، دوستی فی نفسه خواستنی است و شهوت برای خاطر چیزی دیگر. توماس دوستی حقیقی را دوستی بر اساس نیکی

1. *Summa Theologiae* I^aII^ae.26.4, I^aII^ae.28.2

2. *Ibid.*, I^aII^ae.26.4

می‌داند و دوستی بنیاد نهاده بر منفعت یا لذت را، حتی اگر لذت یا منفعت را بیش از خود برای دوستان بخواهیم، دوستی ای برمی‌شمرد که دارای ویژگی‌های دوستی حقیقی نیست. به تعریف توماس، «دوست به سخن دقیق کسی است که ما خیر او را می‌خواهیم؛ و در عین حال چیزی را می‌خواهیم که برای خود می‌طلبیم.»^۱ او هر نوع دوستی را ناشی از نوعی حس یگانگی میان عاشق و معشوق می‌داند.^۲ توماس در جامع‌الهیات خود مباحث بسیاری در باره دوستی به میان می‌آورد که چون بحث از آن‌ها سخن را به درازا می‌کشاند، خوانندگان را به خواندن قطعات ۲۶ و ۲۸ از بخش نخست قسمت دوم این اثر ارجاع می‌دهیم و سخن از تاریخچه بحث در باره دوستی در یونان و سده‌های میانه را به پایان می‌رسانیم.^۳

۷. نسخه‌های بسیاری هم به لاتینی و هم به زبان‌های گوناگون اروپایی از رساله لایلیوس سیسرو در دسترس است. مشخصات نسخه‌ای که من برای ترجمه به مثابه متن اصلی برگزیدم چنین است:

Cicero, *Laelius De Amicitia*, Latin text with facing English translation by W. A. Falconer, Loeb Classical Library, Harvard University Press, vol. XX, 1923.

1. *Ibid.*, 1^a11^{ae}.26.4. ad 1

2. *Ibid.*, 1^a11^{ae}.28.1

۳. برای مطالعه بیش‌تر در این زمینه بنگرید به منابع پیشگفتار مترجم فارسی.

چند ترجمه دیگر این رساله را نیز در دسترس داشتیم که مشخصات آن‌ها به این شرح است:

Marcus Tullius Cicero, *Laelius; A Dialogue on Friendship*, ed. with notes, vocabulary, and biographical index by E. S. Shuckburgh, new ed. rev. and enl., for use in American colleges by Henry Clark Johnson, New York, London, Macmillan and Co., 1913.

Marcus Tullius Cicero, *De Amicitia (On Friendship) and Scipio's Dream*, translated with an introduction and notes by Andrew P. Peabody, Boston, Little, Brown, and Co., 1887.

Cicero, *Laelius On Friendship (Laelius De Amicitia) & The Dream of Scipio (Somnium Scipionis)*, edited with an introduction, translation & commentary by J. G. F. Powell, Warminster, Aris & Phillips, 1990.

و متن لاتینی زیر:

Marcus Tullius Cicero, *Laelius De Amicitia*, ed. C. F. W. Müller, Leipzig, Teubner, 1884.

معتبرترین این نسخه‌ها نسخه اول است که در بیش‌تر کتاب‌های جدید نیز به آن ارجاع داده شده است؛ مقایسه برخی قسمت‌های این نسخه با متن لاتین نشان داد که مترجم دقت بسیار روا داشته است. افزون بر این، مقدمه و یادداشت‌های آن موجب شد که من به ترجمه از روی این نسخه راغب شوم. نسخه‌های دوم و سوم نیز نسخه‌های کلاسیکی هستند، اما هر یک عیوب خاص خود را دارند،

ضمن آن‌که در برخی عبارات با اصل لاتینی اثر همخوانی ندارند. نسخه چهارم ترجمه جدیدی است که اتفاقاً بی ایراد نیست و هرچند سبک و سیاقی جملات و کلمات آن جدیدترند، اما از نسخه لاتینی فاصله دارد. از این قرار، کوشیدم ترجمه فالكونر را مبنا قرار دهم و از ترجمه‌های دیگر نیز در مورد عبارات‌های پیچیده یاری بگیرم. تلاش کرده‌ام این ترجمه حداقل فاصله معنایی را از متن اصلی سیسرو داشته باشد. با این حال، هیچ ترجمه‌ای انطباق کامل با اثر اصلی ندارد و ترجمه من نیز به حتم مشمول این حکم واقع می‌شود. ایراد کاستی‌ای اگر هست از من است و آگاهی از آن برایم سخت مغتنم. تلاشم بر این بوده است که با زبانی ادبی‌تر که به زبان خطابت سیسرو نزدیک باشد این اثر را ترجمه کنم. به حتم این ترجمه آن چیزی نیست که سیسرو با زبان رسای خود بیان می‌کرد.

در متن هر کجا که پانوشتی از مترجم فارسی بوده است آن را با علامت «م.ف.» مشخص کرده‌ام. همچنین معادل لاتینی اسامی، اشخاص و مکان‌ها افزوده مترجم فارسی است.

در پایان بجا است که از همکاری و مساعدت مدیر انتشارات فقنوس سپاسگزاری کنم و دست همه کسانی را که امکان نشر این اثر را فراهم کردند به گرمی بشارم. کاستی‌های کار از این حقیر و محاسن آن از لطف خداوندگار من است.

و لطف از خداست

بهنام اکبری

تیر ۱۳۸۸

منابع پیشگفتار

□ منابع فارسی

- ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- افلاطون، دوره آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، تهران، خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- برن، ژان، فلسفه رواقی، ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، کتاب‌های سیمیرغ، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
- سیسرون، عیش پیری و راز دوستی، ترجمه آزاد محمد حجازی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۴۶.
- قدیس آوگوستین، اعترافات، ترجمه سایه میثمی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ج ۱، یونان و روم، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
- هومن، محمود، تاریخ فلسفه از آغاز تا نخستین آکادمی، نشر پنگان، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.

□ منابع لاتین

- Aelred of Rievault, *De Spiritali Amicitia (Spiritual Friendship)*, trans. E. Laker, Kalamazoo, MI, Cistercian Publications, 1974.
- Cicero, *Laelius De Amicitia*, Latin text with facing English translation by W.A. Falconer, Loeb Classical Library, Harvard University Press, vol. XX, 1923.
- Cicero, *Laelius, On Friendship (Laelius De Amicitia) & The Dream of Scipio (Somnium Scipionis)*, edited with an introduction, translation & commentary by J. G. F. Powell. Warminster, Aris & Phillips, 1990.
- Cicero, Marcus Tullius, *De Amicitia (On Friendship) and Scipio's Dream*, translated with an introduction and notes by Andrew P. Peabody, Boston, Little, Brown, and Co., 1887.
- Cicero, Marcus Tullius, *Laelius; A Dialogue on Friendship*, ed., with notes, vocabulary, and biographical index by E. S. Shuckburgh, new ed. rev. and enl., for use in American colleges by Henry Clark Johnson, New York, London, Macmillan and Co., 1913.
- Cicero, Marcus Tullius, *Laelius De Amicitia*, ed. C. F. W. Müller, Leipzig, Teubner, 1884.
- Furley, David, *Routledge History of Philosophy*, vol. II, *From Aristotle to Augustine*, Routledge, London and New York, 1999.
- Pangle, Lorraine Smith *Aristotle and the Philosophy of Friendship*, Cambridge University Press, 2002.
- Stern-Gillet, Suzanne, *Aristotle's Philosophy of Friendship*, State University of New York Press, 1995.

- Thomas Aquinas, *Summa Theologica*, translated by Fathers of the English Dominican Province, Benziger Bros. edition, 1947.
- Vernon, Mark, *The Philosophy of Friendship*, New York, Macmillan, 2005.